

# Dd

D عدد ۵۰۰ در روم باستان

$\bar{D}$  عدد پانصد هزار در روم باستان

Dalembertian

دالامبرنی - عملگر دیفرانسیل :

$$\frac{\partial^2}{\partial x^2} + \frac{\partial^2}{\partial y^2} + \frac{\partial^2}{\partial z^2} - \frac{1}{c^2} \frac{\partial^2}{\partial t^2}$$

در فضای چهاربعدی ، که در مطالعه مکانیک نسبیتی به کار می رود .

Dalembert's test for convergence

آزمون دالامبر برای همگرایی - آزمون نسبت کوشی

Damped میرا

Damped motion حرکت میرا

Damped vibrations نوسانات میرا

Damping میرایی - میرا

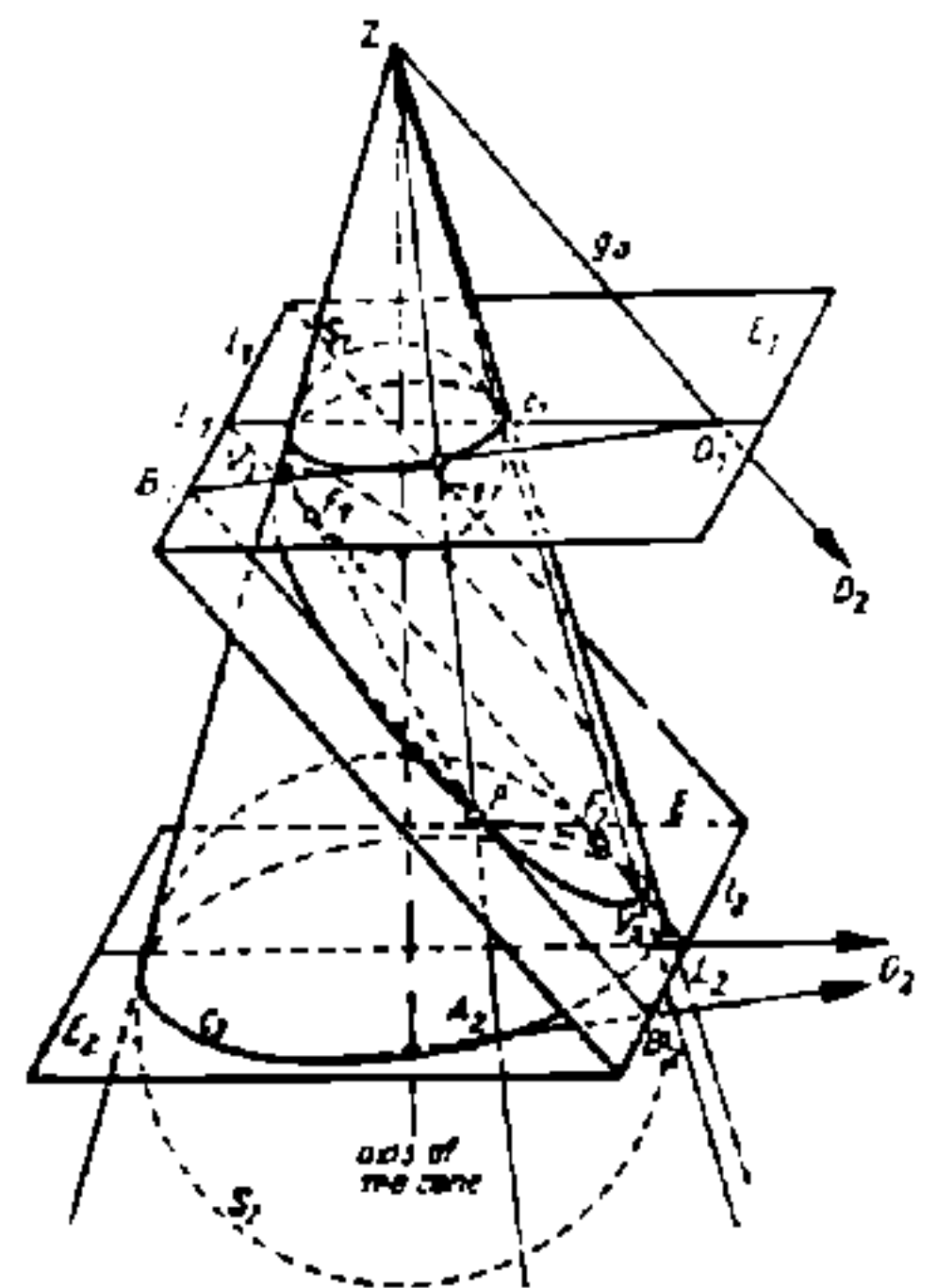
Damping factor

عامل میراننده - ضریب میرایی

Damping force نیروی میراننده

Dandelin Spheres

کره های دندلین ( برای ایجاد مقاطع مخروطی )



Dash خط تیره

Data (datum جمع)

معلومات مسئله - داده ها

Datum داده

Deal مقدار - اندازه - قدر -

معامله کردن - کلنجار رفتن

Debatable قابل بحث - قابل مناظره

Debit

بدهی - در ستون بدهی ثبت کردن -  
بدهکار کردن

Debit a sum to a person

مبلغی را به حساب بدهی کسی گذاشتن

Debt

بدهی - قرض - وام

Debtor

مقروض - بدهکار - ستون بدهکار

Deca

پیشوند یونانی به معنی ده، ده تایی -  
ده برابر

Decade

دوره، ده ساله - دهه

Decadent

منحط - رو به انحطاط - زایل شونده

Decagon

ده ضلعی

Decagonal

ده ضلعی گون

Decahedral

ده وجهی

Decahedron

ده وجهی

Decameter

دکامتر - معادل ۱۰ متر

Decastere

ده مترمکعب

Decelerate

کاستن - کند کردن

Decelerated

مبطئه - کند شونده

Deceleration

کند شوندگی - شتاب منفی

Deci

پیشوندی یونانی به معنی یکدهم

Decide

تصمیم گرفتن

Decided

قطعی - مصمم

Decigram

دسی گرم - یکدهم گرم

Decile

دهک ( در آمار )

Decilliter

دسی لیتر - یکدهم لیتر

Decillion

دسیلیون -

در انگلیس  $10^{60}$  و در آمریکا  $10^{32}$

Decimal

دهدهی - اعشاری

Decimal approximation

تقریبات اعشاری

Decimal equivalent of a fraction

معادل اعشاری یک کسر متعارفی

Decimal expansion

بسط اعشاری

Decimal fraction

کسر اعشاری

Decimalize

اعشاری کردن

Decimal logarithm

لگاریتم دهدهی - لگاریتم اعشاری

Decimal numbers

اعداد اعشاری

Decimal place

مرتبه اعشاری

Decimal Point

ممیز

Decimal representation

نمایش اعشاری

Decimal system

دستگاه دهدهی

Decimeter

دسیمتر - یکدهم متر

Decipher

کشف رمز نمودن

Decision

تصمیم

Decision making

تصمیم گیری

Decision theory

نظریه تصمیم گیری

Deck

یک دست ورق

Declination

تعایل - مایل - شیب - انحراف

Decline

کاهش - تنزل - نقصان - سرازیر شدن -

شیب پیدا کردن - شیب دادن

Declivity

سرازیری - شیب

Decode

کشف رمز کردن - از حالت رمز خارج کردن

Decomposable

تجزیه پذیر - قابل تجزیه

Decomposable Process

فرآیند قابل تجزیه

Decompose	تجزیه کردن - تجزیه شدن	$\gamma$ موجود است بطوریکه به ازاء هر $\alpha \in A$ ،
Decomposition	تجزیه - تلاشی	$\alpha \leq \gamma$ و به ازاء هر $\beta \in B$ ، $\beta \leq \alpha$ .
Decomposition of a fraction	تجزیه کسر	Deduce استنتاج کردن
Decrease	کاهش دادن - نزول کردن - نزول	Deduct کسر کردن - کم کردن - استنتاج کردن
Decreasing	نزولی - کاهشی	Deduction استنتاج - عمل بدست آوردن یک گزاره بر مبنای گزاره های مفروض با به کار بردن قوانین منطقی
Decreasing function	تابع نزولی - تابع $A \rightarrow B$ : $f$ را که در آن $A$ و $B$ دو مجموعه مرتب با ترتیبهای $<$ و $<'$ هستند ، نزولی نامند ، هرگاه :	Deduction par analogie استنتاج تمثیلی
	$x < y \Rightarrow f(y) \leq' f(x)$	Deductive استنتاجی - قیاسی
Decreasing function of on variable	تابع یک متغیره نزولی	Deductive argument استدلال قیاسی
Decreasingly	بطور نزولی	Deep عمیق - ژرف
Decreasing mapping	نگاشت نزولی	Defect عیب - نقص - معیوب ساختن
Decreasing sequence	دنباله نزولی	Defective معیوب - ناقص - ناتمام
Decrement	کاهش - نقصان - تنزل	Defective matrix ماتریس ناقص - ماتریس $n \times n$ را ناقص گوئیم ، هرگاه تعداد بردارهای ویژه مستقل خطی $A$ کمتر از $n$ باشد .
Decuple	ده برابر - ده برابر کردن	Deficient ناقص
Dedekind Cut	برش ددکیند	Deficient number عدد ناقص - عدد طبیعی $n$ را عدد ناقص گویند هرگاه $\sigma(n) < 2n$ که در آن $\sigma(n)$ مجموع مقوم علیه های مثبت $n$ می باشد .
Dedekind Cut theorem	قضیه برشی ددکیند - اگر $A$ و $B$ مجموعه هایی از اعداد حقیقی بوده بطوریکه :	Deficit کسر درآمد - کسر بودجه
	۱ - هر عدد حقیقی به $A$ یا به $B$ متعلق باشد .	Define تعریف کردن
	۲ - $A \cap B = \emptyset$	Defined تعریف شده - معین
	۳ - هیچیک از مجموعه های $A$ و $B$ تهی نباشند .	Definite معین - مشخص - معلوم - قطعی
	۴ - اگر $\alpha \in A$ و $\beta \in B$ آنگاه $\alpha < \beta$ ، در اینصورت یک ( فقط یک ) عدد حقیقی	

Definite description

شرح مشخص - توصیف رسا - ترکیبی از کلمات یا علامات که چیزی را مشخص می‌کند مانند عبارت "نسبت محیط دایره به قطرش"

Definite integral      انتگرال معین

Definiteness      تصریح - صراحت - معین

Definite on an interval

معین روی یک فاصله

Definite Riemann integral

انتگرال ریمان معین - فرض می‌کنیم  $f: [a, b] \rightarrow R$  تابعی کراندار باشد. افراز:

$$a = x_0 < x_1 < x_2 < x_3 < \dots < x_n = b$$

را برای فاصله  $[a, b]$  در نظر گرفته، برای هر  $1 \leq i \leq n$  قرار می‌دهیم  $\Delta x_i = x_i - x_{i-1}$  حال اگر تعریف کنیم:

$$M_i = \sup_{x \in [x_{i-1}, x_i]} f(x) \quad m_i = \inf_{x \in [x_{i-1}, x_i]} f(x)$$

و

$$U(p, f) = \sum_{i=1}^n M_i \Delta x_i$$

و

$$L(p, f) = \sum_{i=1}^n m_i \Delta x_i$$

آنگاه گوئیم تابع  $f$  روی فاصله  $[a, b]$  انتگرال پذیر است هرگاه  $\inf U(p, f)$  و  $\sup L(p, f)$  روی تمام افرازهای مختلف  $[a, b]$  موجود و مساوی باشند. این مقدار مشترک را انتگرال ریمان معین  $f$  روی فاصله  $[a, b]$  می‌نامیم و با علامت  $\int_a^b f(x) dx$  نمایش می‌دهیم.

Definition      تعریف

Definition by abstraction

تعریف به وسیله تجرید

Definition by induction

تعریف به وسیله استقراء

Definition by recurrence

تعریف برگشتی - تعریف تراجعی

Definition of a function

تعریف یک تابع

Deflect

کج شدن - منحرف شدن - منحرف کردن

Deflection      انحراف - انحناء

Deflective      انحرافی

Deflector      منحرف کننده

Deflexed      منحرف شده

Deform

تغییر شکل دادن - بد شکل شدن

Deformation      تغییر شکل بحالت بدتر

Degenerate

منحط شدن - رو به زوال گذاشتن - منحط

Degenerated      زوال یافته - منحط

Degree      رتبه - مرتبه - درجه

Degree of an equation

درجه یک معادله

Degree of a polynomial

درجه یک چند جمله‌ای

Degression      نزول

Degressive      نزولی

Deka      ده

Del      دل - عملگر

$$\Delta = \frac{\partial}{\partial x} \bar{i} + \frac{\partial}{\partial y} \bar{j} + \frac{\partial}{\partial z} \bar{k}$$

Delay

تاخیر - درنگ - به تاخیر انداختن -

درنگ کردن

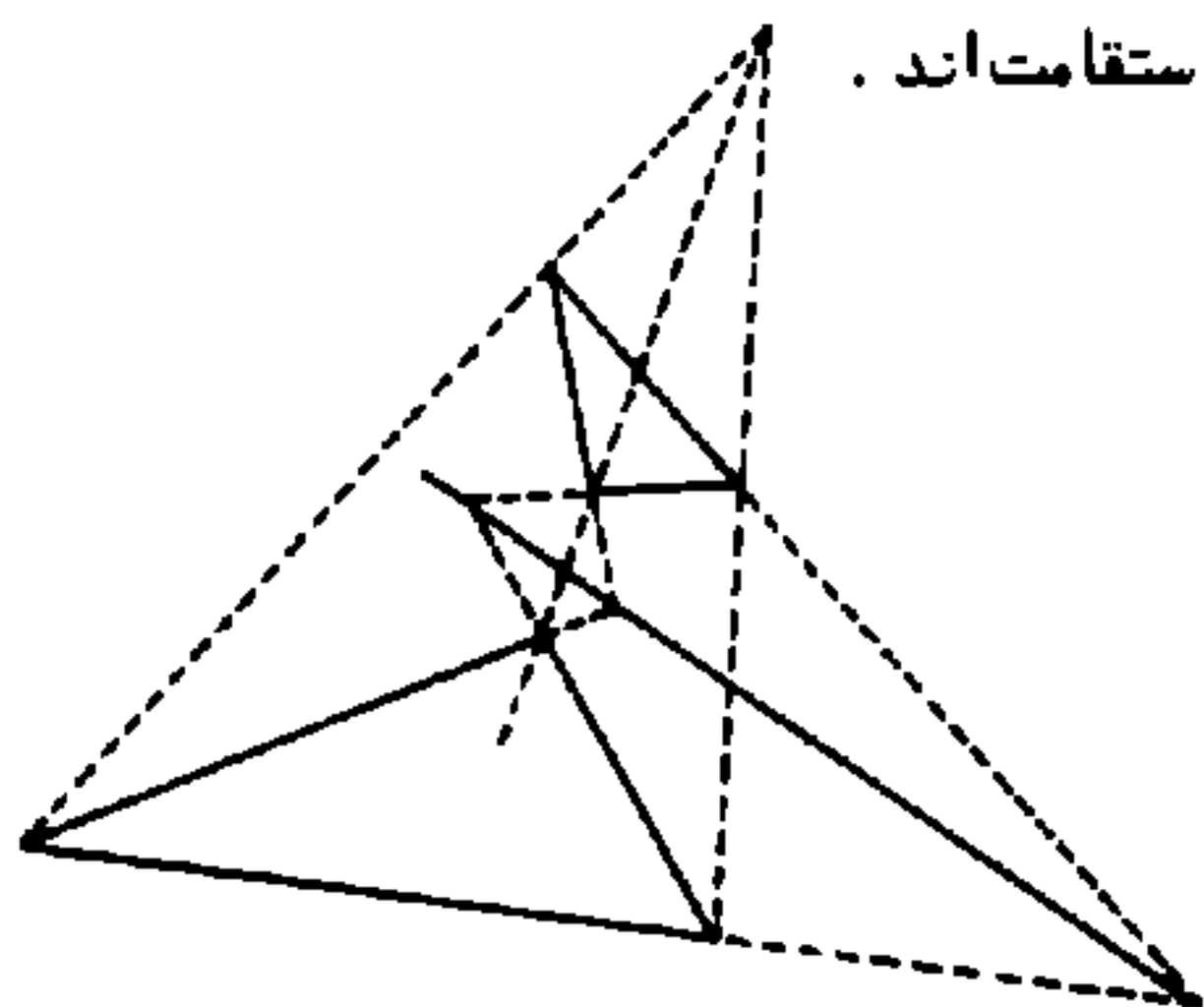
Delete	حذف کردن
Deleted	حذف شده - محذوف
Deleted neighbourhood	همسایگی محذوف
Deletion	حذف
Delimit	محدود کردن - تعیین حدود
Delimitate	محدود کردن - تعیین حدود کردن
Delineate	ترسیم نمودن - نمایش دادن (با خطوط) - توصیف کردن - مشخص کردن
Delineation	طرح - توصیف - تصویر - نمایش
Delineator	طراح - توصیف کننده - کیلومتر شمار ساحی
Delta	حرف چهارم زبان یونانی - حرف Δ یا δ
Deltahedron	دوازده وجهی
Deltoid	دلتا مانند - سه گوش
Deltoideus	دلتا مانند - سه گوش
Demand	تقاضا - درخواست - مطالبه - تقاضا کردن - مطالبه کردن
Demarcate	محدود کردن
Demi	پیشوندی به معنای "نیم" و "نصف"
Demography	مردم نگاری
De Moivre - Laplace Limit theorem	قضیه حدی دموآور - لاپلاس - اگر $X$ یک متغیر تصادفی با توزیع دو جمله ای و پارامترهای $n$ و $p$ باشد، آنگاه به ازاء

اعداد ثابت $a < b$	$P\left[a \leq \frac{X - np}{\sqrt{npq}} \leq b\right] =$ $= P\left[np + a\sqrt{npq} \leq X \leq np + b\sqrt{npq}\right]$ $\rightarrow N(b) - N(a) \quad (n \rightarrow \infty)$ <p>که در آن <math>N(x)</math> همان تابع توزیع نرمال استاندارد یعنی:</p> $N(x) = \int_{-\infty}^x \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{t^2}{2}} dt$ <p>می باشد.</p>
De Moivre's formula	دستور دموآور
$[r(\cos \theta + i \sin \theta)]^n = r^n(\cos n\theta + i \sin n\theta)$	
De Moivre's theorem	قضیه دموآور
Demolition	انهدام - تخریب
Demonstration	اثبات - نمایش
De Morgan's formulas	دستورات دمورگان
De Morgan's Laws	قوانین دمورگان
De Morgan's rules	قواعد دمورگان - قواعد دمورگان در جبر بول $(X, +, \cdot)$ عبارتند از:
	$(a \cdot b)' = a' + b'$ $(\forall a, b \in X)$ $(a + b)' = a' \cdot b'$
	که در آن " ' " نمایش دهنده مکمل است.
De Morgan's theorems	قضایای دمورگان
Denial	خلف - رد
Denial of the antecedent	رد مقدم (در منطق)
Denominator	مخرج کسر
Denote	نشان دادن - نمایش دادن - علامت گذاری

Dense	چگال	Depreciate	کم بها کردن - مستهلک کردن
Density	چگالی	Depreciation	کاهش بها - استهلاک
Dense - in - itself set	مجموعه، در خود چگال - مجموعه‌ای که هر نقطه‌اش یک نقطه، انباشتگی آن باشد، مجموعه‌ای که هیچ نقطه، منفردی نداشته باشد.	Depressed	تنزل یافته
Dense subset	زیر مجموعه، چگال - زیر مجموعه‌ای از یک فضای توپولوژیک را که بستار آن تمام فضا باشد، در آن فضا چگال می‌گویند. مثلاً $Q$ در $R$ چگال است.	Depressed equation	معادله، تنزل یافته
Density Property	خاصیت چگالی	Depression	تنزل - رکود (اقتصادی)
Denticulate	دندانه دار - کنگره دار - مژری	Depth	عمق - ژرفا
Denumerable	قابل شمارش - شمارا - شمارش پذیر	Derange	به هم زدن ترتیب - بهم زدن
Denumerably infinite	نامتناهی شمارش پذیر	Derangement	درهم ریختگی - بی ترتیبی
Department	حوزه - بخش	Derivable	مشتق پذیر - قابل اشتقاق
Depend	وابسته بودن - بستگی داشتن - مربوط بودن	Derivation	مشتق گیری - اشتقاق
Dependence	بستگی - ارتباط	Derivative	مشتق
Dependency	بستگی - ارتباط	Derivative of a complex function	مشتق یک تابع مختلط
Dependent	وابسته - مربوط	Derivative of a real function	مشتق یک تابع حقیقی
Dependent equations	معادلات وابسته	Derivative of a vector valued function	مشتق یک تابع برداری
Dependent functions	توابع وابسته	Derive	بدست آوردن - استخراج کردن
Dependent on	مربوط به - وابسته به	Derived	مشتق شده - بدست آمده - استخراج شده
Dependent variable	متغیر وابسته	Derived curve	منحنی مشتق - منحنی نمایش مشتق یک تابع
Depict	نقش کردن - رسم کردن	Derived set	مجموعه، مشتق - مجموعه، نقاط حدی یک مجموعه
Depreciable	کم بها شدنی - مستهلک شدنی		

Desargues two - triangle theorem

قضیه دو مثلثی دزارگ - هرگاه راء سهای  
 دو مثلث چنان متناظر باشند که خطهای  
 واصل بین راء سهای متناظر متقارب باشند ،  
 آنگاه نقطه های تلاقی اضلاع متناظر هر یک  
 استقامت اند .



Descend نزول کردن - کاهش یافتن

Descendable قابل نزول - قابل کاهش

Descending نزولی - کاهششی

Descending order

ترتیب نزولی - ترتیب کاهششی

Descending powers قوای نزولی

Descent نزول - سقوط - هبوط

Describe توصیف کردن

Described

توصیف شده - موصوف - وصف شده

Description توصیف - وصف

Description of a set

توصیف یک مجموعه

Descriptive ترسیمی - توصیفی

Descriptive geometry

هندسه ترسیمی

Design

طرح - رسم - طرح کردن - رسم کردن

Designate

مشخص کردن - تخصیص دادن - نشان  
 دادن - نمایش دادن

Designer طراح

Designing طرح ریزی

Desire تمایل - تمایل داشتن

Detachable part قطعه قابل انفصال

Detached منفصل - جدا

Detail drawing

رسم تفصیلی ( در ماشین آلات )

Detailed مفصل

Details جزئیات - تفصیل

Determinant دترمینان

Determinant of a matrix

دترمینان ماتریس - بنابه تعریف دترمینان

ماتریس  $A = [a_{ij}]$  ، عبارت است از :

$$\det A = \sum (\operatorname{sgn} r) a_{1r(1)} a_{2r(2)} \cdots a_{nr(n)}$$

که در آن  $r$  جایگشتی بر  $\{1, 2, \dots, n\}$  می باشد .

Determinant of a system of linear equations

دترمینان یک دستگاه معادلات خطی

Detreminant of a linear transformation

دترمینان یک تبدیل خطی

Determinate

معین - مشخص - تعیین حدود کردن

Determine

مشخص کردن - معین کردن - تعیین کردن

Deterministic معین - قطعی

Deterministic system دستگاه معین

Detract کم کردن - کاستن  
 Detraction کاهش  
 Detractive کاهش  
 Develop توسعه دادن - گسترده کردن - بسط دادن  
 Developable گسترش پذیر - قابل بسط - قابل توسعه  
 Developable surface سطح گسترش پذیر  
 Development بسط - توسعه - گسترش  
 Deviable انحراف پذیر - قابل انحراف  
 Deviate منحرف شدن - انحراف ورزیدن  
 Deviation انحراف  
 Deviation angle زاویه انحراف  
 Device وسیله - اسباب - دستگاه  
 Devote تخصیص دادن - وقف کردن  
 Diagonal قطر - قطری - مورب  
 Diagonalizable قطر پذیر - قطری شدنی  
 Diagonalizable linear تبدیل خطی قطری شدنی  
 Diagonalizable matrix ماتریس قطری شدنی  
 Diagonalization قطری کردن - قطری ساختن  
 Diagonalize قطری کردن  
 Diagonal matrix ماتریس قطری  
 Diagonal of a polygon قطر یک چند ضلعی  
 Diagonal of a polyhedron قطر یک چند وجهی

Diagonal process فرآیند قطری  
 Diagram نمودار - دیاگرام  
 Diagrammatic نموداری - نمایشی  
 Diagrammatically بطور نموداری - بطور نمایشی  
 Dial صفحه - مدرج - صفحه - ساعت - شماره گرفتن  
 Diameter قطر  
 Diameter of a conic قطر یک مقطع مخروطی - هر خط راست که از وسط تمام وترهای مقطع مخروطی که موازی یک امتداد خاص هستند می‌گذرد .  
 Diameter of a set قطر یک مجموعه - اگر  $X$  یک فضای متریک  $d$  بوده و  $A \subseteq X$  ، آنگاه بنا به تعریف قطر  $A$  عبارتست از :

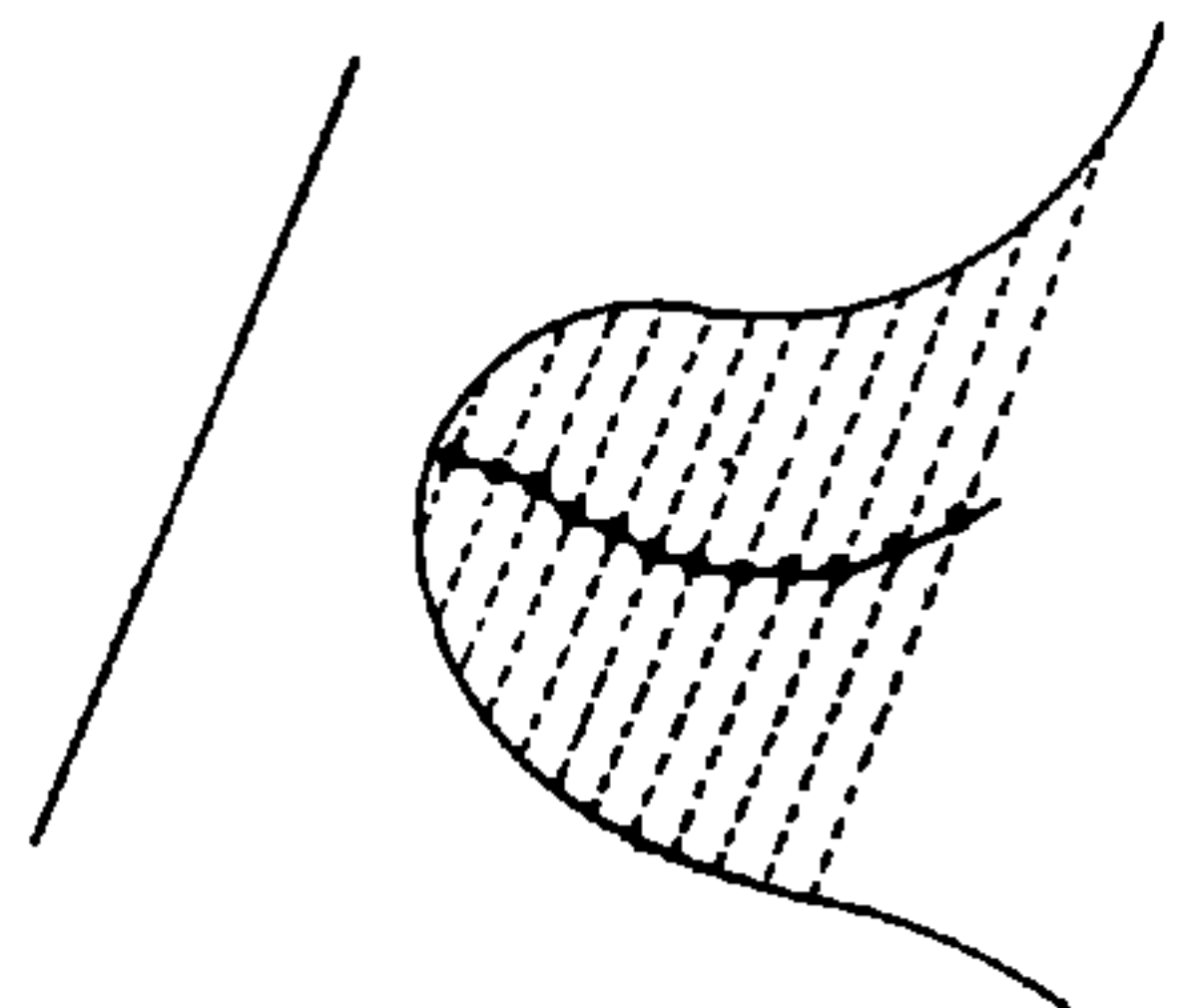
$$\text{diam } A = \text{lub}\{d(a_1, a_2) : a_1, a_2 \in A\}$$

Diametral

واقع در طول قطر - وابسته به قطر

Diametral curve

منحنی قطری - منحنی مار بر اوساط تمام وترهای یک منحنی که موازی امتداد معینی هستند .





Diametral plane

صفحه قطری - در یک سطح درجه دوم  
صفحه‌ای که از اوساط تمام وترهای موازی  
یک امتداد معین می‌گذرد، مثلاً "در کره  
صفحه‌ای که از مرکز می‌گذرد.

Diametral surface

رویه قطری - رویه‌ای که از اوساط کلیه  
وترهای یک رویه دلخواه که موازی امتداد  
خاصی هستند، می‌گذرد.

Diametrical متقاطع - قطری

Diametrically

در جهت قطر - در طول قطر - کاملاً - شدیداً

Diametrically opposite

قطراً متقابل

Diamond الماس - لوزی

Dice تاس

Dichotomy

انشعاب به دو شعبه - تقسیم به دو بخش -  
طبقه بندی به دو دسته

Dictionary order topology

توپولوژی ترتیب قاموسی

Dido's problem

مسئله دیدو - مسئله یافتن یک منحنی بسته  
با محیط ثابت و حداکثر مساحت ممکن که  
جواب این مسئله یک دایره می‌باشد.

Die تاسها (جمع Dice)

Differ اختلاف داشتن

Difference اختلاف - تفاضل - تفاوت

Difference equation

معادله تفاضلی - معادله‌ای بین تابعی  
مطلوب بر مجموعه مفروض  $S$  از اعداد

حقیقی، بعضی از تفاضلات آن (به تعداد  
متناهی) بر حسب نمو مفروض  $h$  و متغیر  
 $x$  به عبارت دیگر، معادله‌ای به صورت:

$$F(x, u(x), \Delta_h u(x), \dots, \Delta_h^n u(x)) = 0$$

که  $F$  تابعی مفروض،  $m$  عددی طبیعی و  
 $u(x)$  تابع مطلوب است.

Difference of sets تفاضل مجموعه‌ها

Different مختلف - متفاوت

Differentiable

مشتق پذیر - دیفرانسیل پذیر

Differentiable function

تابع مشتق‌پذیر - تابع دیفرانسیل پذیر -  
تابعی که در هر نقطه حوزه تعریفش دارای  
مشتق است.

Differential دیفرانسیل - فاصله

Differential calculus

حساب دیفرانسیل - حساب فاصله

Differential coefficient

ضریب دیفرانسیل

Differential equation

معادله دیفرانسیل

Differential form

صورت دیفرانسیل - فرم دیفرانسیل

Differential geometry

هندسه دیفرانسیل

Differential (the total differential)  
of a function of several variables

دیفرانسیل (کامل) یک تابع چندمتغیره

Differential operator عامل دیفرانسیل

Differential quotient

خارج قسمت دیفرانسیلی

Differential topology

توپولوژی دیفرانسیل - شاخه‌ای از ریاضیات که چند گونا‌های دیفرانسیل پذیر را مطالعه می‌کند .

Differentiate

دیفرانسیل گرفتن - مشتق گرفتن

Differentiation

دیفرانسیل گیری - مشتق گیری

Differentiation of an integral

دیفرانسیل گیری از یک انتگرال

Differentiation of a sequence

دیفرانسیل گیری از یک دنباله

Differentiation operator

عامل دیفرانسیل گیری

Different numbers اعداد متفاوت

Diffract به اجزاء تقسیم کردن - پراشیدن

Diffraction

دیفراکسیون - پراش - انکسار

Diffuse

افشاندن - منتشر کردن - پخش کردن

Diffusion پخش - انتشار - دیفیوژن

Diffusion process

مرحله انتشار - فرآیند پراش

Digest

خلاصه کردن - خلاصه اطلاعات - هضم کردن

Digit رقم

Digital رقمی

Digital computer

رایانه رقمی - شمارگر رقمی - حسابگر رقمی

Digraph

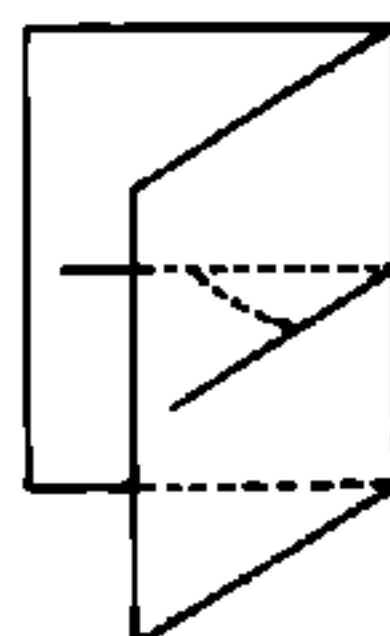
نمودار جهت دار - گراف جهت دار

Dihedral

دو وجهی - فرجه

Dihedral angle

زاویه مسطحه فرجه



Dihedron

فرجه - زاویه دو وجهی

Dilation

انبساط - گسترش

Dilute

رقیق کردن - رقیق

Dilution

ترقیق

Dilution problem

مسئله ترقیق

Dimension

بعد - اندازه

Dimensional

ابعادی - اندازه‌ای

Dimensional analysis

تحلیل ابعادی - تحلیل کمیت‌های فیزیکی

بر حسب ابعاد اصلی

Dimensionality

بعدیت - کیفیت داشتن بعد

Dimensionless بی بعد - فاقد بعد

Dimensionless number

عدد بی بعد - عدد مطلق

Dimensions of a rectangular figure

ابعاد یک شکل راست گوشه

Dimension of a simplex

بعد ساده - تعداد رئوس ساده منهای یک

Dimension of a vector space

بعد یک فضای برداری - تعداد بردارهای

پایه یک فضای برداری

Diminish

کم کردن - کاستن - کم جلوه دادن

Diminution کاهش - تقلیل

Dini's theorem of uniform convergance

قضیه دینی در مورد همگرایی یکنواخت -  
اگر  $\{f_n\}$  دنباله‌ای از توابع حقیقی پیوسته  
بوده که بر مجموعه فشرده  $S$  نقطه به نقطه  
به تابع پیوسته  $f$  همگرا باشد، و علاوه  
اگر به ازاء هر  $x$  از  $S$  و هر  $n = 1, 2, \dots$   
داشته باشیم  $f_n(x) \geq f_{n+1}(x)$ ، آنگاه هر  
 $S$  به طور یکنواخت  $f_n \rightarrow f$

Dini test آزمون دینی

Diophantine دیوفانتی - دیوفانتوسی

Diophantine analysis

آنالیز دیوفانتوسی - شاخه‌ای از نظریه  
اعداد که موضوعش تحقیق در معادلات  
دیوفانتوسی است.

Diophantine equations

معادلات دیوفانتوسی - معادلات سیاله -  
معادلاتی با بیش از یک مجهول و باضرایب  
صحیح که برای آنها جوابهای صحیح مورد  
نظر است.

Dipole دوقطبی

Direct درست - مستقیم - سراسر است -  
راسته - هدایت کردن - جهت دادن

Directed جهت دار

Directed angle زاویه جهت دار

Directed distance

فاصله جهت دار  $\overline{AB} = b - a$

Directed graph

گراف جهت دار - گرافی که هر ضلع آن  
دارای جهت باشد.

Directed line خط جهت دار

Directed line segment

پاره خط جهت دار

Directedness جهت دار بودن

Directed number

عدد جهت دار - عدد علامت دار

Directed set

مجموعه جهت دار - یک مجموعه مرتب  
جزئی  $(S, \leq)$  را مجموعه جهت دار  
می نامند هرگاه:

$\forall a, b \in S \exists c \in S, a \leq c, b \leq c$

Direct image تصویر مستقیم

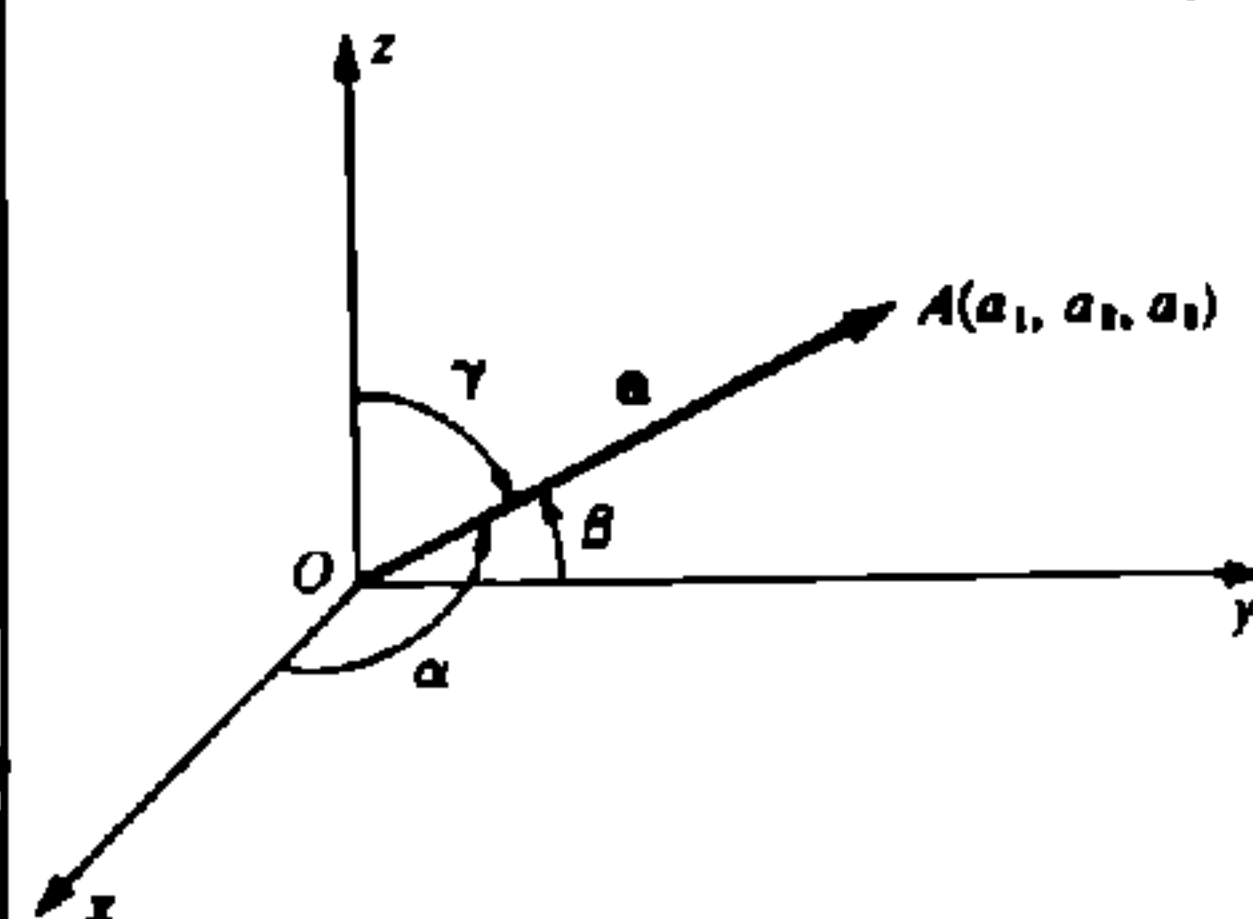
Direction

جهت - سو - امتداد - راست

Directional derivative

مشتق جهت دار - مشتق سوئی

Direction angle زاویه امتداد



Direction components of the normal to a surface

مولفه‌های راستای خط قائم بر یک سطح

Direct product

حاصلضرب مستقیم - حاصلضرب دکارتی

Direct product of two sets

حاصلضرب مستقیم (دکارتی) دو مجموعه

Direct product of two Vectors

حاصلضرب مستقیم دو بردار - حاصلضرب  
اسکالر دو بردار

Direct proportion تناسب مستقیم

Direct sense

جهت مستقیم - جهت مخالف حرکت  
عقربه‌های ساعت - جهت مثلثاتی

Direct sum حاصل جمع مستقیم

Direct trigonometric functions

توابع مثلثاتی مستقیم

Direct Variation وردش مستقیم

Direction field میدان راستا

Direction numbers (or ratios)

اعداد ( یا نسبت‌های ) هادی

Direction of the asymptote

راستای ( خط ) مجانب

Direction ratios نسبت‌های هادی

Direction vector

بردار هادی - بردار راستای خط

Directional جهت دار - سوئی

Directivity استقامت - راستا

Directly

مستقیماً - فوراً - بلافاصله

Directly induced topology

توپولوژی مستقیماً القا شده

Directly proportional

مستقیماً متناسب

Directly similar مستقیماً مشابه

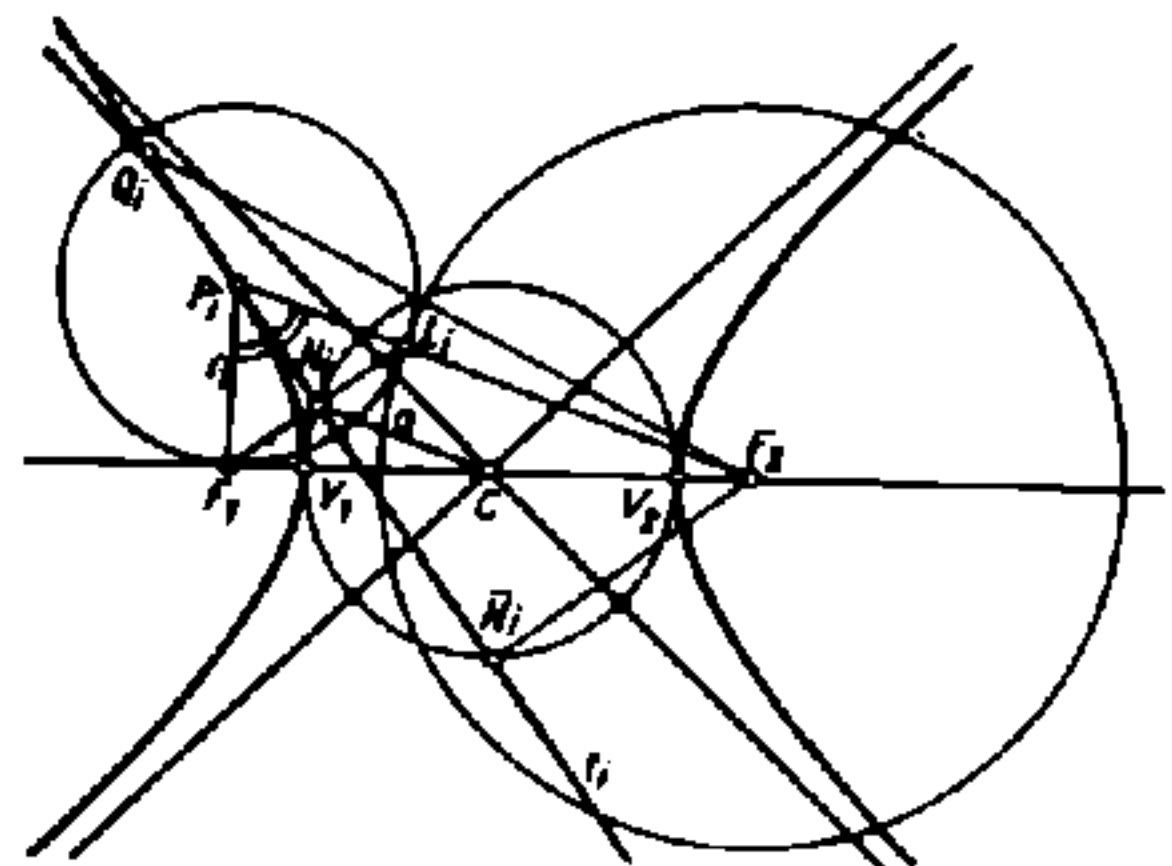
Directness مستقیم بودن

Director هدایت کننده - هادی

Director circle دایره هادی

Director circle of a hyperbola

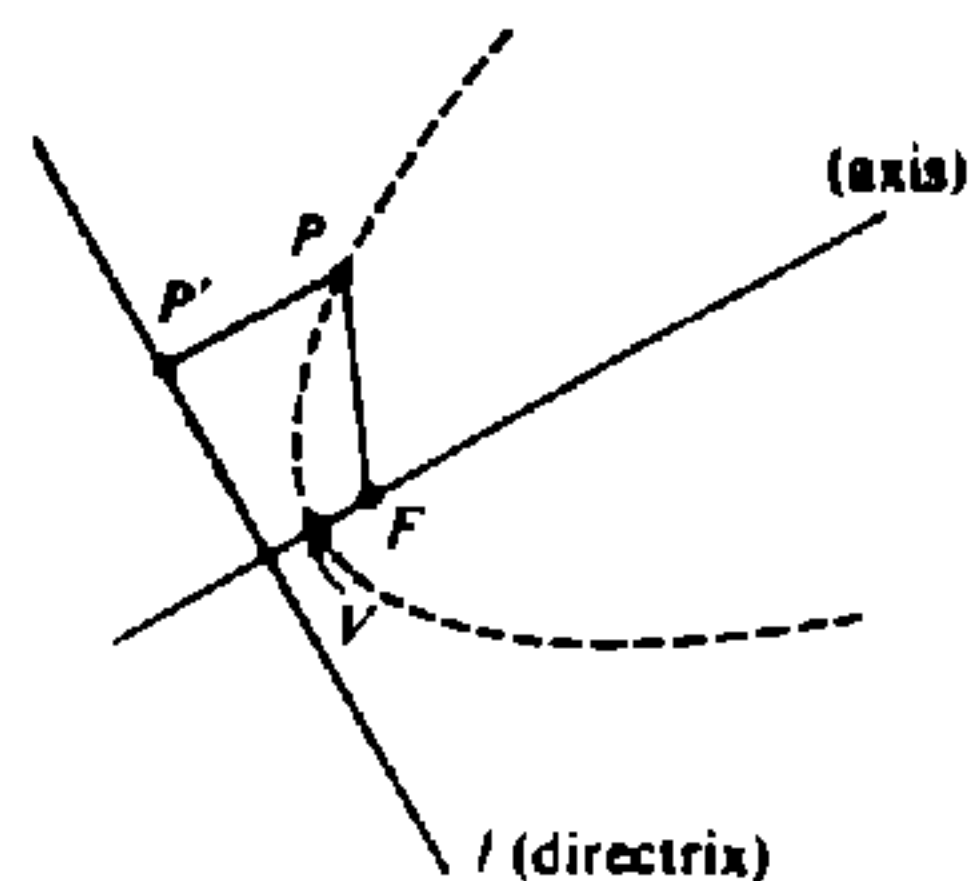
دایره هادی هذلولی



Directrix خط هادی

Directrix of a parabola

خط هادی سهمی



Dirichlet conditions

شرایط دیریکله - گوئیم تابع  $f$  در فاصله  $(a, b)$  در شرایط دیریکله صدق می‌کند هرگاه بر  $(a, b)$  کراندار بوده و تعداد نقاط ناپیوستگی، ماکزیمم و مینیمم موضعی آن متناهی باشند، در چنین حالتی تابع  $f$  بر  $(a, b)$  دارای تغییر محدود خواهد بود.

Dirichlet problem

مسئله دیریکله - مسئله تعیین جوابی برای معادله لاپلاس که در شرایط بخصوصی در یک ناحیه و مرز آن صدق کند.

## Dirichlet series

سلسله دیریکله - سری دیریکله -  
 سلسله  $\sum_{n=1}^{\infty} \frac{a_n}{n^s}$  که در آن  $a_n$  ها  
 ( $n = 1, 2, \dots$ ) و  $s$  اعدادی مختلط هستند

آزمون دیریکله Dirichlet's test

Dirichlet's test for uniform  
 convergence of series

آزمون دیریکله برای همگرایی یکنواخت  
 سلسلهها

Dirichlet test for convergence of  
 series

آزمون دیریکله در مورد همگرایی سلسلهها -  
 اگر دنباله حاصل جمع های جزئی سلسله  
 $\sum a_n$  محدود بوده و  $(b_n)$  دنباله ای  
 نزولی و گراينده به صفر باشد آنگاه  
 $\sum a_n b_n$  همگراست.

Dirichlet transform

تبدیل دیریکله - تابع  $R \rightarrow [a, b]$  را در  
 نظر می گیریم تابع

$$\int_a^b f(x) \frac{\sin(k(x))}{x} dx$$

را تبدیل دیریکله تابع  $f$  می نامند و  
 همگرایی آن ، همگرایی سلسله فوریه  
 $f(x)$  را تعیین می کند.

Disc قرص - گرده - صفحه مدور

Disconnected

نامرتبط - ناهمبند - گسته

Discontinuity

انفصال - ناپیوستگی - عدم پیوستگی

Discontinuous

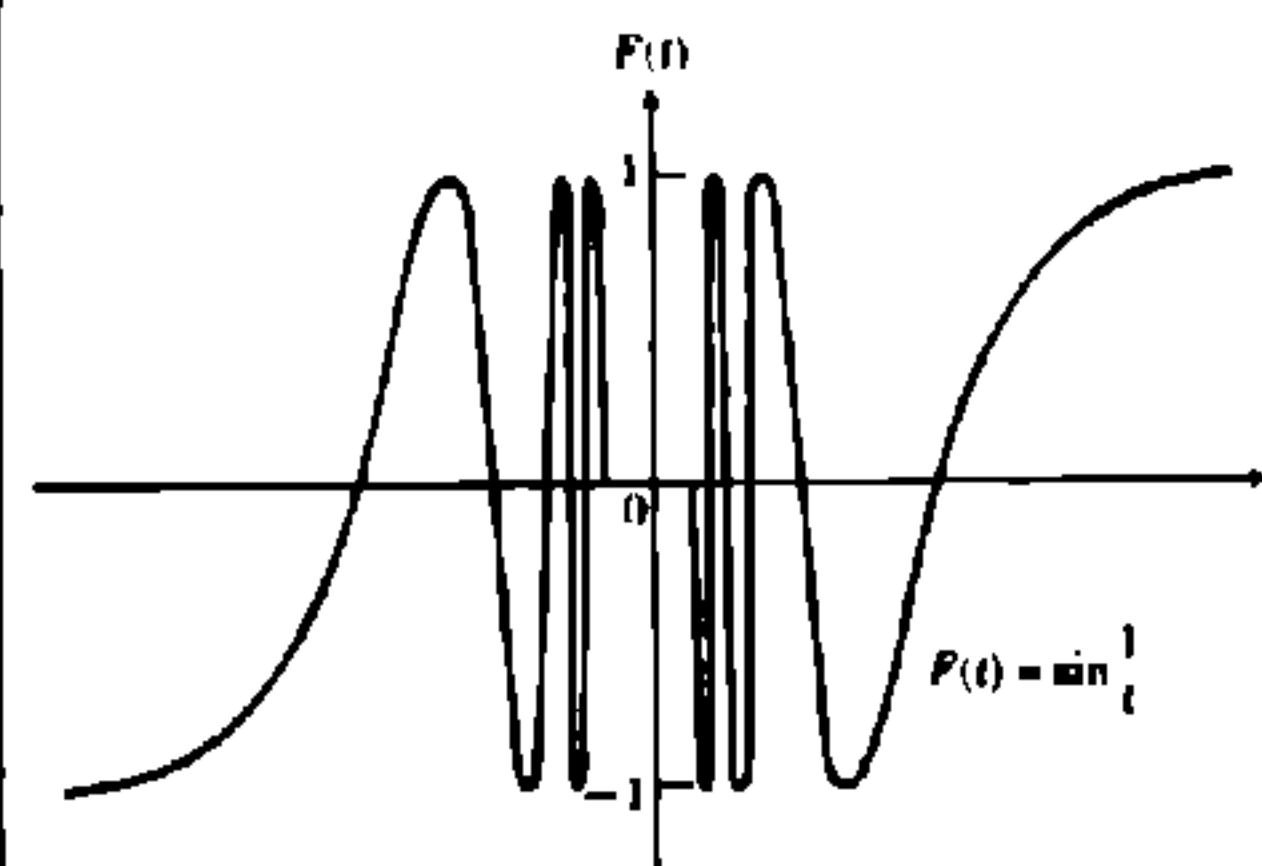
منفصل - ناپیوسته - گسته

Discontinuous function

تابع منفصل - تابع ناپیوسته

Discontinuous oscillatory function

تابع نوسانی ناپیوسته



Discount تخفیف - تنزیل -

تخفیف دادن - برات را تنزیل کردن

Discount factor

عامل تخفیف - عامل تنزیل

Discount rate نرخ تنزیل

Discounting تخفیف - تنزیل

Discrepancy اختلاف - تفاوت

Discrete گسته - جدا - مجزا -

جدا کردن - مجزا کردن

Discrete distance

فاصله مجزا - فاصله گسته

Discrete distribution

توزیع جدا - توزیع مجزا - توزیع گسته

Discrete moments

لحظات مجزا - لحظه های گسته

Discrete set

مجموعه گسته - مجموعه ای که هیچ نقطه  
 انباشتگی ندارد.

Discrete uniform distribution

توزیع یکنواخت گسته - توزیعی گسته با

تابع چگالی احتمال	Disjunction	ترکیب فصلی
$P(x) = \begin{cases} \frac{1}{N} & x = 1, 2, \dots, N \\ 0 & \text{سایر جاها} \end{cases}$	Disjunctive	فصلی
discrete variable	Disjunctive composition	ترکیب فصلی
متغیر گسسته - متغیری که دامنه تغییرات آن یک مجموعه گسسته است.	Disjunctive normal form	صورت متعارف فصلی
Discriminant	Disk	قرص - گرده
Discriminant of a polynomial equation	Disk of convergence	قرص همگرایی
مبین یک معادله چند جمله‌ای	Dislocation	جابجا شدگی
Discriminant of a quadratic equation	Dismember	جدا کردن - تجزیه کردن - بریدن اندام
$ax^2 + bx + c = 0$ مبین معادله درجه دوم	Dispersion	پراکندگی - انتشار - تجزیه نور
عبارتست از $\Delta = b^2 - 4ac$	Displacement	تغییر مکان
Discuss	Displacement vector	برداری تغییر مکان
Discussion	Display	نمایش دادن - آشکار کردن
Disequilibrium	Disproof	رد - ابطال
Dished	Disproportion	بی تناسبی - بی تناسب کردن
Disjoin	Disproportionate	بی تناسب - بی تناسبی
Disjoined	Disproportionately	بطور نامتناسب
Disjoint	Disproportionateness	بی تناسبی
Disjoint cycles	Dissimilar	نامتشابه
حلقه‌های از هم جدا - حلقه‌های	Dissipation	پراکندگی - اتلاف
$(a_1, a_2, \dots, a_n)$ و $(b_1, b_2, \dots, b_n)$ را از هم جدا	Dissipation of energy	اتلاف انرژی
گویند و قتیکه	Dissociate	تفکیک کردن - جدا کردن
$a_i \neq b_j \quad \forall i, j$	Dissociation	تفکیک
Disjoint sets - مجموعه‌های از هم جدا	Dissymmetric	نامتقارن
مجموعه‌های $A$ و $B$ از هم جدا هستند در صورتیکه $A \cap B = \emptyset$	Dissymmetry	نامتقارنی - عدم تقارن
Disjointed		

Distance	فاصله - مسافت دوری	Distributive law	قانون توزیعی - قانون پخش پذیری
Distance function	تابع فاصله	Distributive properties of set operations	خواص توزیعی اعمال مجموعه‌ای
Distance relations	روابط متری - روابط طولی	Distributive property	خاصیت توزیعی - خاصیت پخش پذیری
Distance set	مجموعه فاصله	Distributivity	توزیع پذیری
Distant	فاصله دار - دور	Disturbance	اختلال
Distinct	متمايز - مجزا	Divalent	دو ظرفیتی
Distinct roots	ریشه‌های متمایز	Diverge	واگرا بودن - متباعد شدن
Distinction	تشخیص - فرق - امتیاز	Divergence	واگرایی - تباعد - دیورژانس
Distinguish	تمیز دادن - باز شناختن - فرق گذاشتن	Divergence of vector field	دیورژانس یک میدان برداری - اگر:
Distinguished	ممتاز - مشخص		$\vec{a} =$
Distort	از شکل انداختن - تغییر شکل دادن - مسخ		$= U(X, Y, Z)\vec{i} + V(X, Y, Z)\vec{j} + W(X, Y, Z)\vec{k}$
Distortion	تغییر شکل - تحریف		آنگاه:
Distributable	پخش پذیر - قابل پخش - قابل توزیع		$\text{div } \vec{a} = \frac{\partial U}{\partial X} + \frac{\partial V}{\partial Y} + \frac{\partial W}{\partial Z}$
Distribute	توزیع کردن - پخش کردن	Divergent	متباعد - واگرا
Distribution	پخش - توزیع	Diverging	واگرا
Distribution curve	منحنی توزیع (درآمار و احتمالات)	Divergent integral	انتگرال واگرا - انتگرال ناسره‌ای که مقدار متناهی ندارد.
Distributional	پختی - توزیعی	Diverging to zero	واگرا به صفر
Distributive	توزیعی - پختی	Dividable	قابل تقسیم
Distributive lattice	شبهه توزیع پذیر - شبکه‌ای که به ازاء هر $x$ و $y$ و $z$ از آن داریم:	Divide	بخش کردن - عاد کردن - تقسیم کردن
	$x \cup (y \cap z) = (x \cup y) \cap (x \cup z)$	Divided	منقسم - تقسیم شده - مقسوم
	$x \cap (y \cup z) = (x \cap y) \cup (x \cap z)$	Divided differences	تفاضلات منقسم
	که در آن $a \cup b$ و $a \cap b$ به ترتیب معرف کوچکترین کران بالا و بزرگترین کران پائین $a$ و $b$ می‌باشند.		

Dividend	مقسوم	$+a_r) + (100a_p + 10a_q + a_r) - \dots$
Divider	تقسیم کننده - بخش کننده	به ترتیب بر ۷ و ۱۱ یا ۱۳ بخش پذیر باشد.
Diverse	گوناگون - مختلف	بخش پذیر - قابل قسمت
Diverse ingredient	اجزاء مختلف	Division
Divisibility	قابلیت تقسیم - بخش پذیری	Divisional
Divisibility criterion by 3	ضابطه بخش پذیری بر سه - عدد صحیح $N$ بر سه بخش پذیر است اگر و فقط اگر مجموع ارقام آن بر سه بخش پذیر باشد.	تقسیمی
Divisibility criterion by 9	ضابطه بخش پذیری بر نه - عدد صحیح $N$ بر نه بخش پذیر است اگر و فقط اگر مجموع ارقام آن بر نه بخش پذیر باشد.	Division algorithm
Divisibility criterion by 2	ضابطه بخش پذیری بر ۲ - اگر $n$ عددی طبیعی باشد آنگاه عدد صحیح $N$ بر ۲ بخش پذیر است اگر و فقط اگر عدد متشکل از $n$ رقم آخر $N$ بر ۲ بخش پذیر باشد.	الگوریتم تقسیم - اگر $a$ و $b$ اعداد صحیح بوده بطوریکه $b \neq 0$ ، آنگاه اعداد صحیح و منحصر بفرد $q$ و $r$ موجودند بطوریکه:
Divisibility criterion by 5	ضابطه بخش پذیری بر پنج - عدد صحیح $N$ بر پنج بخش پذیر است، اگر و فقط اگر رقم یکان آن صفر یا پنج باشد.	$a = bq + r \quad 0 \leq r <  b $
Divisibility criterion by 7, 11, 13	ضابطه بخش پذیری بر هفت، یازده، سیزده - اگر:	Division in extreme and mean ratio
	$N = a_n 10^n + \dots + a_1 10 + a_0$	تقسیم به نسبت ذات وسط و طرفین - تقسیم طلایی.
	که در آن $0 \leq a_i < 10$ بسط عدد طبیعی $N$ در مبنای دهدهی باشد، آنگاه $N$ بر ۷، ۱۱ یا ۱۳ بخش پذیر است اگر و فقط اگر:	Division modulo $P$
	$M = (100a_r + 10a_q + a_r) - (100a_p + 10a_q + a_r)$	تقسیم به سنج $P$
		Divisor
		مقسوم علیه
		Divisor of zero
		مقسوم علیه صفر
		Divisor value
		مقدار مقسوم علیه
		Dodeca
		دوازده
		Dodecagon
		دوازده ضلعی - دوازده گوشه
		Dodecahedral
		مربوط به دوازده وجهی
		Dodecahedron
		دوازده وجهی
		Dogmatic
		جزمی - کوتاه فکر - متعصب - قاطع
		Domain
		دامنه - قلمرو - حوزه - مجموعه غیر تهی، باز و همبند در یک فضای اقلیدسی
		Dominated convergence theorem
		قضیه همگرایی مستولی - اگر دنباله



$\{f_n\}$  از توابع انتگرال پذیر لبگ، هر فاصله  $I$  تقریباً "همه جا به تابع  $f$  همگرا بوده و تابع نامنفی و انتگرال پذیر لبگ  $f$  موجود باشد بطوریکه تقریباً "همه جا هر  $I$

$$|f_n(x)| \leq g(x) \quad n=1, 2, \dots$$

آنگاه  $f$  بر  $I$  انتگرال پذیر لبگ بوده، دنباله  $\left\{ \int_I f_n \right\}$  همگراست و بعلاوه:

$$\int_I f = \lim_{n \rightarrow \infty} \int_I f_n$$

Dominating integral

انتگرال غالب - انتگرال متولی - در آزمون همگرایی یک سلسله با جملات مثبت و ناصعودی، انتگرال ناویژه‌ای که تابع زیر انتگرال آن نامنفی و ناصعودی بوده و مقدار آن به ازاء کلیه اعداد صحیح و مثبت  $n$  که به اندازه کافی بزرگ باشند از جمله  $n$  ام سلسله بزرگتر نباشد، مثلاً "درمورد سری  $\sum_{n=1}^{\infty} \frac{1}{n^2}$  انتگرال‌های ناویژه:

$$\int_1^{\infty} \frac{dx}{x^2} \quad \text{و} \quad \int_1^{\infty} \frac{dx}{x^3}$$

انتگرالهای غالب می‌باشند.

Dominating series

سلسله غالب - سلسله متولی - سلسله‌ای که هر جمله آن از جمله متناظرش در سلسله دیگری کوچکتر نیست و در آزمون مقایسه برای همگرایی سلسله‌ها با جملات مثبت بکار می‌رود.

Domain of a mapping

دامنه یک نگاشت

Domain of definition

دامنه تعریف

Domain of Gaussian integers

دامنه اعداد صحیح گوسی - مجموعه تمام اعداد مختلط که مؤلفه‌های آنها صحیح هستند.

Domain of a variable

دامنه یک متغیر

Domain set

مجموعه قلمرو

Dominant

مسلط - غالب - مشرف - متولی

Dominant vector

بردار غالب - بردار مسلط

Dominated

مستولی - غالب

Diminated convergence

همگرایی مستولی

Dot

نقطه گذاردن - نقطه - خال

Dotted

نقطه چین

Double

دو برابر کردن - مضاعف

دوگانه - دوبرابر

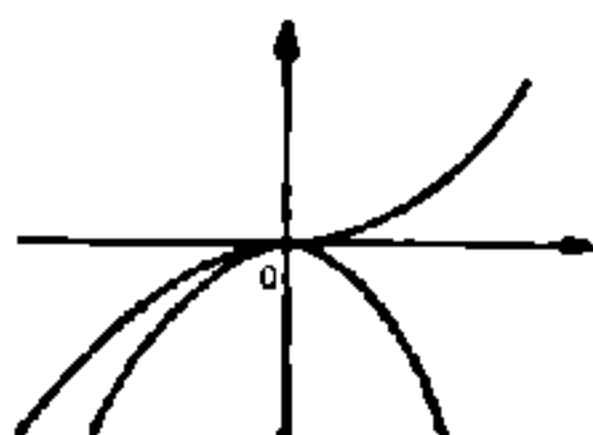
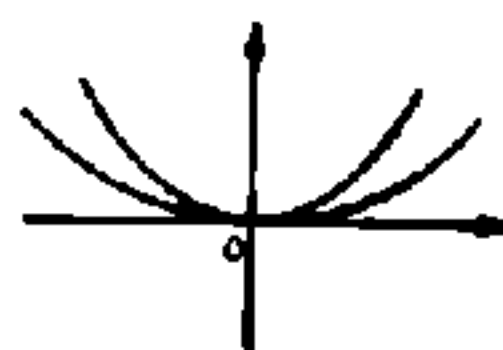
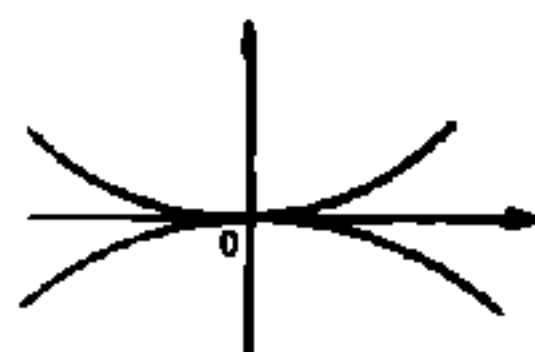
Double concave دو کاو - مقعر الطرفین

Double convex دو کوژ - محدب الطرفین

Double coset

همدسته مضاعف - همدسته دو طرفه

Double cusp نقطه بازگشت - مضاعف



Double integral	انتگرال دوگانه	Draw a conclusion	نتیجه گرفتن
Double limit	حد مضاعف	Draw out	استخراج کردن - بیرون کشیدن
Double periodicity	تناوب مضاعف	Drawing	ترسیم - طراحی - طرح
Double point	نقطه دوگانه - نقطه‌ای بر روی یک منحنی که در آن دو مماس جهت‌دار مختلف موجود باشند.	Drawing board	تخته رسم
		Drawing - paper	کاغذ رسم
		Drawing - pin	پونز
Double precision	دقت مضاعف	Drop	قطره - افتادن - تنزل - کاهش یافتن - فرود آمدن
Double prime	علامت ثانیه - علامت اینج - علامت (")	Dropped	تنزل یافته - کاهش یافته
Double pyramid	هرم مضاعف	Dual	دوگان
Double restriction	تحدید مضاعف	Dual basis	پایه دوگان
Double root	ریشه مضاعف	Duality	دوگانگی - دوگانی - ثنویت
Doublet	جفتی - زوج	Dual space	فضای دوگان - فضای برداری متشکل از تمام تابعی‌های خطی یک فضای برداری رادوگان آن فضا می‌نامند.
Doubly	بطور مضاعف - بطور دوگانه	Ductile	شکل پذیر
Downward	بطرف پائین	Due	بدهی - طلب - حق
Downward concavity	تقعر به طرف پائین	Due to	ناشی از
Dozen	دوجین	Due to continuity of function	نظر به پیوستگی تابع
Draft	حواله - برات - ترسیم کردن	Dummy	مجازی
Drafting	نقشه	Duo	دو - زوج
Draftsman	طراح - نقشه کش - رام	Duodecimal	دوازدهی
Draftmanship	نقشه کشی	Duodecimal system	دستگاه شمار در مبنای دوازده
Dram	درم - واحد وزن معادل $\frac{1}{16}$ اونس و یا $\frac{1}{72}$ گرم	Duodecimal numeration system	روش شماره گذاری دوازدهی
Draw	قرعه کشی - رسم کردن - کشیدن - بیرون کشیدن	Duodecimal scale	مقیاس دوازدهی

Duplicate      المثنی - دو نسخه‌ای

Duplication

نسخه برداری - تضعیف

Duplication of the cube

تضعیف مکعب - مسئله ساختن ضلع مکعبی  
با دو برابر حجم مکعب مفروض

Duration      استمرار - دوام

Dyad      زوج - جفت

Dyadic

ثنائی - دوتائی - تانسور مرتبه دو

Dyadic expansion

بسط در مبنای دو

Dyadic System

دستگاه دوتائی - دستگاه شمار در مبنای دو

Dynamic      پویا

Dynamic programming

برنامه ریزی پویا

Dynamics

علم القوا - علم دینامیک - نیروشناسی

Dynamic system      دستگاه پویا

Dyne

دین ( واحد نیرو در دستگاه C.G.S )

